

امام (علیه السلام) به حق صوم؛ یعنی حق صوم (روزه) می پردازند:

«وَأَمَّا حَقُّ الصَّوْمِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّهُ حِجَابُ ضَرْبِهِ اللَّهُ عَلَى لِسَانِكَ وَ سَمْعِكَ وَ بَصَرِكَ وَ فَرْجِكَ وَ بَطْنِكَ».

بیان اجمالی

ابتدا توضیحی اجمالی از این فراز، طبق معمول ارائه می دهیم، سپس به نکات آن می پردازیم.

اولین عبادتی که ذکر شد نماز بود، سپس حج و این، سومین است.

در هر سه مورد نیز ابتدا با «أَنْ تَعْلَمَ» (بدانی که) آغاز شده است: «فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهُ حِجَابٌ...»

«بدانی که روزه پرده و حجابی است که خداوند متعال بر زبان تو و گوش تو و چشم تو و عورت تو و شکم تو کشیده است.»
یعنی آن را عایق بندی می کند. اگر بخواهیم با تعبیری امروزی تر بگوییم، خداوند متعال به وسیله روزه، آن دسته از اعضای بدن را که عمدتاً زمینه ساز لغزش انسان هستند، با پرده و حجابی می پوشاند. اینها عبارتند از: زبان، گوش، چشم، عورت (یعنی در واقع آن نیازهای انسان که تمایل به ارضای آنها قوی است، حتی اگر از راه نامشروع باشد). می فرماید: پرده ای است که بر اینها کشیده می شود.

«لَيْسَتْ رُكَّ مِنَ النَّارِ»؛ برای اینکه تو را از آتش حفظ کند. در واقع، روزه حائلی است بین انسان و این اعضا که باعث جهنمی شدن انسان می شوند، تا از آتش دور بماند. حال توضیح می دهیم که روزه چگونه این نقش را ایفا می کند. فعلاً داریم توضیحی اجمالی می دهیم.

«وَهَكَذَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ: الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ» امام در اینجا به حدیث نبوی اشاره می کنند. وقتی در کلام امام، لفظ حدیث به صورت مطلق می آید، منظور حدیث نبوی است؛ یعنی سخن پیامبر (صلی الله علیه وآله). «وَهَكَذَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ: الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ»؛ روزه سپری در برابر آتش است. «فَإِنْ سَكَنْتُ أَطْرَافَكَ فِي حَبِثَتِهَا رَجَوْتُ أَنْ تَكُونَ مُحْجُوبًا»؛ اگر اعضای تو (یعنی همین گوش و چشم و زبان و شکم و ...) در پشت این پرده آرام گرفتند، یعنی شعله هوس های مربوط به این اعضا فروکش کردند، امیدوار باش که تو در پناه این حجاب هستی. یعنی چه؟ یعنی ایمن شده ای. یعنی این پرده مانع رسیدن آتش به تو می شود.
«وَإِنْ أَنْتَ تَرَكْتَهَا تَضْطَرُّ فِي حِجَابِهَا وَ تَرْفَعُ جَنَاحَ الْحِجَابِ»؛ و اگر تو اعضا را رها کنی که به اختیار خود هر کاری بکنند، آنها را کنترل نکنی، چشم و زبان و گوش و شکم و ... را تحت اختیار خود در نیآوری و بگذاری هر طور می خواهند عمل کنند، در حجاب خویش اضطراب و پریشانی پیشه کرده و پرده حجاب را بالا می زنند. یعنی می خواهند از پشت پرده بیرون بیایند، این پرده را پاره کنند؛ این پرده ای که خدا با روزه بین انسان و این اعضا، بین انسان و گناه می کشد. آنگاه اگر این اعضا از پشت این پرده بیرون بیایند، این پرده را کنار بزنند و به کارهای غیرمتعارف؛ یعنی غیرعادی و خارج از قاعده ادامه دهند، «فَتَطْلُعُ إِلَيَّ مَا لَيْسَ لَهَا» پس به آنچه حق آن ها نیست طمع می ورزند. یعنی وقتی در پشت پرده قرار گیرند، از برخی امور بی خبر می شوند، از حرام بی اطلاع می مانند. اما اگر پرده را کنار بزنند و اطلاع پیدا کنند بر چیزی که نباید اطلاع پیدا کنند، مثلاً چشم بخواهد نگاه شهوانی کند؛ این روزه جلوی چشم را می گیرد، حالا اگر چشم نخواهد در پشت این حجاب بماند مثلاً روزه نگیرد، یا حتی ممکن است ظاهراً روزه بگیرد، ولی به حقیقت روزه توجه نکند و بگوید: من می خواهم بدانم چه خبر است، همه چیز را ببینم،

استفاده کنم، نظر شهوانی داشته باشد، «وَالْقُوَّةُ الْخَارِجَةُ خَارِجَةٌ عَنْ حَدِّ تَقْوَى اللَّهِ»؛ یعنی بخواهد آن اعضا و جوارح را از حد تقوای الهی خارج کند، «لَمْ تَأْمَنْ أَنْ تَخْرُقَ الْحِجَابَ وَتَخْرُجَ مِنْهُ وَلَّا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ ایمن نیست از دریده شدن آن پرده. چه می‌شود اگر آن پرده دریده شود؟ می‌فرماید: «وَتَخْرُجُ مِنْهُ»؛ از آن پرده خارج می‌شود. یعنی چه؟ یعنی آتش به سراغش می‌یاید. چون در ابتدا فرمود: «لَيْسَتْ رَكْ مِنَ النَّارِ»؛ این پرده، پرده‌ای است که انسان را از آتش حفظ می‌کند؛ عایقی است که انسان را از آتش نگه می‌دارد. حالا اگر انسانی نخواست مراقب اعضای خود باشد، این اعضا از حد خود خارج شده و پا را از حدود تقوای الهی فراتر می‌گذارند و دیگر هیچ مصونیتی ندارند. اگر این پرده دریده شود و از آن بیرون بیایند، دیگر معلوم است چه سرانجامی خواهد داشت. دیگر پرده‌ای که او را از آتش بپوشاند وجود ندارد. «وَلَّا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ و برای این منظور هیچ کمک‌کاری جز خداوند نیست. کار سختی است؛ خدا باید کمک کند. این یک بیان اجمالی بود از این فراز. انشاءالله بعداً نکات آن را شرح خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمين»